حدیث غدیر: از خبر واحد تا متواتر؛ فرآیندی اعجازگونه

این مقاله ابتدا در تاریخ شب عید غدیر ۱۴۳۱ مطابق با ۴ آذر ۱۳۸۹،در سایت اینترنتی انجمن مسلمانان ایران،بارگذاری شده است.

- از خبر واحد تا متواتر؛ فرآیندی اعجازگونه
  - پروژه ی مخفی سازی غدیر
  - کلام خواجه:تواتر حدیث غدیر
  - در ّفاضل قوشچی
  - کلام ابن تیمیه
  - مشت محکم«البانی» بر دهان«ابن تیمیه»
- پرونده تواتر حدیث غدیر
  - ۱.صحیح مسلم:اشاره به خطبه غدیر
  - ۲.ذهبی و ابن کثیر؛دو قهرمان ِداستان تواتر
  - ۳.ناصر الدین البانی
  - سؤال مسلمانان از بخاری و مسلم

از خبر واحد تا متواتر؛ فرآیندی اعجازگونه

این مقاله ابتدا در تاریخ شب عید غدیر ۱۴۳۱ مطابق با ۴ آذر ۱۳۸۹،در سایت اینترنتی انجمن مسلمانان ایران،بارگذاری شده است.

پروژه ی مخفی سازی غدیر

از چیزهائی که برای شخص من، اعجاب‌آور بوده، قضیه متواتر بودن حدیث غدیر خم نزد اهل سنت است، به طوری که اگر **پروسه**[1] ی بتوان‌آرمه شدن ِتواتر غدیر، دودمان **پروژه** ی مخفی‌سازی غدیر را بر باد نداده بود، بدون شک امروز یکی از مهم ترین عناوین **افسانه‌ای** در این سایت و امثال آن، مسأله غدیر بود!

داد این سخن به افلاک می رسید که بابا! غدیر را مادرهای بچه‌های شیعه وقتی می خواهند بچه را خواب کنند، به عنوان لالائی در گوش بچه می خوانند!

برای پی بردن به اهمیت مسأله، عرض می کنم که حتی تا قرن هشتم و نهم، این یک جواب کلاسیک علمای اهل سنت به شیعه بود که حدیث غدیر یک خبر واحد است که احدی نمی تواند بگوید متواتر است! چرا؟ چون چگونه حدیثی می خواهد متواتر باشد و حال آن که شیخین، بخاری و مسلم، در دو صحیح‌ترین کتاب حدیث، آن را نقل نکرده‌اند!

---

[1] Process به زبان فارسی معادل فرآیند است.در لغت نامه oxford معنای این کلمه چنین بیان شده است:

A natural series of changes.:‘the ageing process’یعنی یک سری تغییرات طبیعی: مانند پروسه ای روند پیری.(لغت نامه oxford)

کلام خواجه:تواتر حدیث غدیر

مثلاً خواجه نصير الدين طوسی در تجريد الاعتقاد ادعای تواتر حديث غدير می کند.

> **و العصمة تقتضی النص و سيرته عليه السلام و هما مختصّان بعلی (عليه السلام).**
>
> **و النّص الجلی قوله (عليه السلام): «سلّموا عليه بإمرة المؤمنين» و «أنت الخليفة بعدي». و غيرهما و لقوله (تعالی) «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ...و إنّما اجتمعت الأوصاف فی علی (عليه السلام) و لحديث الغدير المتواتر[1]**

---

[1] تجريد الاعتقاد ؛ ص۲۲۳-۲۲۶

در فاضل قوشچی

و فاضل قوشچی[1] در شرح آن می گوید:

> **و اجيب بانه غير متواتر بل هو خبر واحد فی مقابلة الاجماع كيف و قد قدح فی صحتة كثير من اهل الحديث و لم ينقلة المحققون منهم كالبخاری و مسلم و الواقدی و اكثر من روا لم يرو المقدمة التی جعلت دليلا علی ان المراد بالمولی الاولی بالتصرف[2].**

---

[1] القَوْشجی (۰۰۰- ۸۷۹ هـ ۰۰۰- ۱۴۴۷م) علی بن محمد القوشجي، علاء الدين: فلكی رياضي، من فقهاء الحنفية.

أصلة من سمرقند. كان أبوة من خدام الأمير «ألغ بك» ملك ما وراء النهر، يحفظ لة البزاة (و معنى القوشجی فی لغتهم حافظ البازي) و قرأ علی علی الأمير ألغ بك- و كان ماهرا فی العلوم الرياضية- ثم ذهب إلی بلاد كرمان فقرأ علی علمائها، و صنف فيها «شرح التجريد- ط» للطوسي، و عاد. و كان ألغ بك قد بنی «رصدا» بسمرقند، و لم يكمل، فأكملة القوشجي. ثم رحل إلی تبريز فأكرمة سلطانها (الأمير حسن الطويل) و أرسلة فی سفارة إلی السلطان محمد خان (سلطان بلاد الروم) ليصلح بينهما، فاستبقاة محمد خان عندة، فألف لة رسالة فی الحساب سماها «المحمدية- خ» أجاد فيها، و رسالة فی علم الهيئة سماها «الفتحية- خ» فأعطاة محمد خان مدرسة «أياصوفية» فأقام بالآستانة و توفی فيها. و لة «حاشية علی أوائل حواشی الكشاف للتفتازاني» و «عنقود الزواهر- ط» فی الصرف، و «حاشية علی شرح السمرقندی علی الرسالة العضدية- ط» فی الوضع، و كتب أخری بالعربية و الفارسية(الأعلام(للزركلی) ؛ ج۵ ؛ ص۹)

[2] «و لحديث الغدير المتواتر»بيانه: ان النبی ص قد جمع الناس بوم غدير خم اسم موضع بين مكة و المدينة بالجحفة و ذلك بعد رجوعة عن حجة الوداع و جمع الرجال و صعد علياها و قال مخاطباً: ای معشر المسلمين الست اولی بكم من انفسكم قالوا بلی قال فمن كنت مولاة فعلی مولاة اللهم وال من والاة و عاد من عاداة و انصر من نصرة و اخذل من خذلة

و هذا الحديث اورده علی ع يوم الشوری عند ما حاول ذكر فضائلة و لفظ المولی قد يراد بة المتعق و المعتق و الحليف و الجار و ابن العم و الناصر و الاولی بالتصرف قال الله تعالی و ماويكم النار هی مولیكم ای اولی بكم ذكرة ابوعبيدة و قال النبی صل ايما امراة نحكت بغير اذن مولاها ای الاولی بها و المالك لتدبير امرها و مثلة فی الشعر كثير و بالجملة استعمال المولی بمعنی المتولی و المالك للامر و الاولی بالتصرف سائغ فی كلام العرف منقول عن ائمة اللغة

و المراد انه اسم لهذا المعنی ال صفه بمنزله الاولی لیعترض بانه لیس من صیغه اسم التفضیل و انه ال یستعمل استعماله و ینبغی ان یکون المراد به فی الحدیث هو هذا المعنی لیطابق صدر الحدیث اعنی قوله الست اولی بکم من انفسکم و لانه ال وجه للخمسه الاول و هو ظاهر و ال للاساس لظهوره وعدم احتیاجه الی البیان و جمع الناس لاجله سیما و قد قال الله تعالی: و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض و ال خفاء فی ان الاولویه بالناس و التولی و المالکیه لتدبیر امرهم و التصرف فیهم بمنزله النبی ص هو معنی الامامه و اجیب بانه... (شرح التجرید للقوشجی،ط حجری،ص ۳۶۲)

کلام ابن تیمیه

خوب دقت کنید؛ می گوید: خبر واحد است که صحیح هم نیست! جالب تر از این، سخن **ابن تیمیه** در منهاج السنة است، می گوید: امّا این دعای پیامبر «**اللهم وال من والاه ...**»به اتفاق اهل معرفت به حدیث، دروغ است!

> **الوجه الخامس أن هذا اللفظ وهو قوله اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله كذب باتفاق أهل المعرفة بالحديث[1]**

او می گوید:جمله «**من كنت مولاه فعلی مولاه**»محل اختلاف است، و بخاری و عدهای دیگر ضعیف دانسته و بعضی حسن دانستهاند، و ابن حزم گفته: «**من كنت مولاه**»اصلاً صحیح نیست و از طریق راویان قابل اعتماد به ما نرسیده است.

> **لكن حديث الموالاة قد رواه الترمذي وأحمد والترمذي في مسنده عن النبي صلى الله عليه وسلم انه قال: من كنت مولاه فعلي مولاه وأما الزيادة وهي قوله: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه الخ فلا ريب انه كذب ....**
>
> **و أما قوله من كنت مولاه فعلي مولاه فليس هو في الصحاح لكن هو مما رواه العلماء وتنازع الناس في صحته فنقل عن البخاري وإبراهيم الحربي وطائفة من أهل العلم بالحديث انهم طعنوا فيه وضعفوه ونقل عن احمد بن حنبل انه حسنه كما حسنه الترمذي وقد صنف أبو العباس بن عقدة مصنفا في جمع طرقه**
>
> **وقال ابن حزم : الذي صح من فضائل علي فهو قول النبي صلى الله عليه وسلم: " «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» " ، وقوله: " «لأعطين الراية غدا رجلا يحب الله ورسوله، ويحبه الله ورسوله» " وهذه صفة واجبة لكل مسلم ومؤمن وفاضل ، وعهده صلى الله عليه وسلم أن علياً " «لا يحبه إلا مؤمن، ولا يبغضه إلا منافق» " ، وقد صح مثل هذا في الأنصار أنهم " «لا يبغضهم من يؤمن بالله، واليوم الآخر».**
>
> **وأما من كنت مولاه فعلي مولاه فلا يصح من طريق الثقات أصلا[2]!**

اکنون ای منصفین، با دقت، پروژه مخفیسازی غدیر را توسط فحول میدان حدیث، دنبال کنید:

سرّ تدوین کتب «صحاح»

ببينيد چگونه امثال ابن تيميه با خوشحالی تمام،اين را مانند حلوا در دهان خود می گردانند كه حديث غدير در كتب صحاح نيامده است! اساساً كتب صحاح برای همين تدوين شده است كه هر چه در آن نيامده و كسی حرفش را زد، فوراً دهنش را ببندند!

---

[1] او در در کلام علامه مبنی بر استدلال به آیه ی اکمال دین به وجوه مختلفی تمسک می کند که عبارت بالا وجه پنجم از آن هاست.(منهاج السنة النبوية لابن تيمية،ج ۷، ص ۵۵؛ المکتبه الشامله الحدیثه)

[2] منهاج السنة النبوية ،ج ۷، صفحة ۳۱۹-۳۲۱

مشت محکم«البانی» بر دهان«ابن تیمیه»

به جرأت می توان ادعا کرد، اگر ابن تیمیه می دانست 7 قرن بعد، یکی از بزرگترین شاگردان مکتب سلفیش، چنان مشت محکمی بر دهان او می زند، هرگز حاضر نبود چنین در در ّحدیث غدیر خوشحالی کند.

البته این شاگرد او در قرن 14 یعنی ناصر الدین البانی ، در زمان برآیند یک فرایند معجزگونه واقع شده بود که توسط ِو خشت آخر ِآن نهاده شد، یعنی این هفت هشت قرن، نیاز بود تا مطلب به حدّی برسد که او با پیر و مرداد خود این چنین تندی کند، و الحمد لله علی إنجاز مواعیده.

پروسه تواتر حدیث غدیر

خوب است گزیده ی این روند و پروسه ی بتوآرمه شدن تواتر حدیث را با هم مرور کنیم:

۱.صحیح مسلم:اشاره به خطبه غدیر

ابتدا بايد عرض كنم، مگر مى شود حقائق را براى هميشه مخفى كرد؟ خلاصه يك جاى درز مى كند! خوشبختانه در صحيح مسلم كه "من كنت مولاه" را نيز اورده اما يك كلمه بر جا گذاشت كه پيامبر (ص) وقتى از حجة الوداع برمى گشتند در **آبگاهى به نام خم** بين مكه و مدينه، خطبه خواندند و حديث ثقلين را نقل مى كند.

> **حدثنى زهير بن حرب، وشجاع بن مخلد، جميعا عن ابن علية، قال زهير: حدثنا إسماعيل بن إبراهيم، حدثنى أبو حيان، حدثنى يزيد بن حيان، قال: انطلقت أنا وحصين بن سبرة، وعمر بن مسلم، إلى زيد بن أرقم، فلما جلسنا إليه قال له حصين: لقد لقيت اي زيد خيرا كثيرا، رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم، وسمعت حديثه، وغزوت معه، وصليت خلفه لقد لقيت، اي زيد خيرا كثيرا، حدثنا اي زيد ما سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم**
>
> **قال: اي ابن أخي والله لقد كبرت سنى، وقدم عهدي، ونسيت بعض الذى كنت أعى من رسول الله صلى الله عليه وسلم، فما حدثتكم فاقبلوا، وما لا، فلا تكلفونيه، ثم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وسلم يوما فينا خطيبا، بماء يدعى خما بين مكة والمدينة فحمد الله وأثنى عليه، ووعظ وذكر...[1]**

به یک جمله،خطبه گفته نمی شود

بهبه! خيلى خوب شد! پس در صحيح، آمده كه در غدير خم حضرت خطبه خواندند اما مسلم فقط يك جمله آن را آورد. **به یک جمله که خطبه گفته نمی شود**. پس بايد ببينيم تمام اين خطبه چه بود؟ گويا خيلى هم غدير، افسانه نيست!

---

[1] صحيح مسلم ، باب من فضائل على بن أبى طالب رضى الله عنه ، ص۱۸۷۳(المكتبة الشاملة الحديثة)

۲.ذهبی و ابن کثیر؛دو قهرمانِ داستان تواتر

همه می دانیم مسائل مهم و بنیادی در یک فرهنگ را هر کسی نمی تواند پایه‌ریزی کند، باید کسی باشد که مقبولیّت نزد عالم و جاهل داشته باشد، و تا آنجا که من می دانم، کاراکتر قهرمان بحث ما کسی جز امام ذهبی نیست، اما یک دست صدا ندارد، اگر امام ذهبی هم چیزی بگوید ولی دیگر خبرها با او موافقت نکنند، باز کاری از پیش نمی رود، اینجاست که دست دیگر می شود جناب ابن کثیر، و با همه یک دهنکجی عجیب به استادشان ابن تیمیه می کنند.

تصریحات ذهبی به تواتر

هر دو بر خلاف ابن تیمیه که می گوید: اساسا «**من کنت مولاه**» صحیح نیست، می گویند (نقل به مضمون) اصلاً «**من کنت مولاه**»نیازی به اسناد ندارد؛ چون حدیث متواتر، مستغنی از ذکر سند است!

نقل ابن کثیر از ذهبی

عبارت ابن کثیر در تاریخ و سیره‌اش، این است:

> **وقد قال شيخنا الحافظ أبو عبد الله الذهبي: بعد إيراده هذا الحديث هذا حديث منكر جدا ... قال: وصدر الحديث متواتر أتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله وأما الله م وال من والاه فزيادة قوية الاسناد وأما هذا الصوم فليس بصحيح ولا والله ما نزلت هذه الآية إلا يوم عرفة قبل غدير خم بأيام والله تعالى أعلم[1].**

من عبارت ذهبی را که ابن کثیر نقل می کند، نیافتم؛ اما نزدیک آن را در خصوص روزه ی 18 ذیحجه که ابوهریره نقل میکند ثواب 60 ماه عبادت دارد در رساله طرق می گوید:

> **... هذا حديث منكر غير صحيح، فقد ثبت نزول هذه الاية يوم عرفة بعرفة وصوم هذا اليوم لا فضيلة فيه أبدا**

> **علی التعیین کیف والرافضة یتخذونه عیداً ویحتفلون له وما أدری علی من یحمل هذا الحدیث[2]**

و معلوم می شود ذهبی نمی داند که شیعه که غدیر را عید می گیرند، در عین حال یکی از چهار روز ممتاز سال برای استحباب روزه هم می دانند!

به هر حال ذهبی در کتب دیگرش تصریح می کند که **متواتر** است:

ما تواتر عن نبینا

قلت: ومعنی هذا التشیع حب علی وبغض النواصب، وأن یتخذه ولی، عملاً بما تواتر عن نبینا صلی الله علیه وسلم: من کنت مولاه فعلی مولاه. أما من تعرض إلی أحد من الصحابة بسبب فهو شیعی غال نبرأ منه. **[3]**

متنه متواتر

[4]فأخذ بید علی رضی الله عنه فقال: " من کنت مولاه فعلی مولاه ". هذا حدیث حسن عال جدا، ومتنه فمتواتر.

بهرنی سعه روایاته

قلت:جمع طرق حدیث:غدیر خم، فی أربعة أجزاء، رأیت شطره، فبهرنی سعة روایاته، وجزمت بوقوع ذلک**[5]**.

از این به بعد، راهِ تواتر برای حفّاظ و محدثین، آسان تر می شود.

ابن جزری

ابن جزری[6] که فاصله چندانی با ذهبی[7] و ابن کثیر[8] ندارد، می گوید: این حدیث،متواتر است:

> **.... قال سمعت علیا رضی الله عنه بالرحبة ینشد الناس من سمع النبی صلی الله علیه وسلم یقول: «من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» فقام إثنا عشر بدریا فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ذلک.**

> هذا حديث حسن صحيح من وجوه كثيرة تواتر عن أمير المؤمنين علی وهو يتواتر أيضا عن النبی صلی الله عليه وسلم رواه الجم الغفير عن الجم الغفير والا عبرة بمن حاول تضعيفه ممن لا اطلاع له فی هذا العلم[9] ....

ابن حجر عسقلانی

و هم چنين حافظ ابن حجر می گويد:

> واما حديث من كنت مولاه فعلی مولاه فقد أخرجه الترمذی والنسائی وهو كثير الطرق جدا وقد استوعبها ابن عقدة فی كتاب مفرد وكثير من اسانيدها صحاح وحسان وقد روينا عن الامام احمد قال: «ما بلغنا عن أحد من الصحابة ما بلغنا عن علی بن أبی طالب[10]»

سيوطی

منوای در شرح جامع صغير حافظ سيوطی[11] از او نقل می كند كه متواتر است[12]:

> قال الهيثمی : رجال أحمد ثقات وقال فی موضع آخر : رجاله رجال الصحيح وقال المصنف : حديث متواتر[13].

هم چنين:

> (من كنت مولاه) أی وليه وناصره (فعلی مولاه) ولاء الاسلام وسببه ان أسامة قال لعلی لست مولای انما مولای رسول الله فذكره (حم ه‍ـ عن البراء) بن عازب (حم عن بريدة) بن الحصيب (ت ن والضياء عن زيد بن أرقم) ورجال أحمد ثقات بل قال المؤلف: حديث متواتر[14]

در تعليقه بر مسند احمد نيز چنين آمده است:

> .... وقوله: "من كنت مولاه فعلى مولاه" أورده السيوطى فى "الأزهار المتناثرة فى الأحاديث المتواترة" برقم (100)[15]

آلوسی

آلوسی نیز در تفسیرش قول ذهبی را نقل می کند که حدیث غدیر،متواتر است:

> وعن الذهبى أن «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر يتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله ، وأما الله والى من والاه ، فزيادة قوية الإسناد ، وأما صيام ثمانى عشرة ذى الحجة فليس بصحيح والله نزلت تلك الآية إلا يوم عرفة قبل غدير خم بأيام[16] .

عجلونی[17]

۲۵۹۱- من كنت مولاه فعلى مولاه

> رواه الطبرانى وأحمد والضياء فى المختارة عن زيد بن أرقم وعلى وثلاثين من الصحابة بلفظ الله والى من والاه وعاد من عاداه فالحديث متواتر أو مشهور[18]

کتانی

کتانی[19] در کتاب «نظم المتناثر من الحديث المتواتر»، از سیوطی در کتابش «الفوائد المتكاثرة» وجه تواتر را نقل می کند:

> ۲۳۲- (من كنت مولاه فعلى مولاه).
>
> أورد فيها [يعنى السيوطى]أيضا من حديث (1) زيد بن أرقم (2) وعلى (3) وأبى أيوب الأنصارى (4) وعمر (5) وذى مر (6) وأبى هريرة (7) وطلحة (8) وعمارة (9) وابن

عباس (10) وبريدة (11) وابن عمر (12) ومالك ابن الحويرث (13) وحبشي بن جنادة (14) وجرير (15) وسعد بن أبي وقاص (16) وأبي سعيد الخدري (17) وأنس (18) وجندع الأنصاري ثمانية عشر نفسا وعن عدة من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أنهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقوله وعن اثني عشر رجلا منهم (19) قيس بن ثابت (20) وحبيب بن بديل بن ورقاء وعن بضعة عشر رجلا منهم (21) يزيد أو زيد بن شراحيل الأنصاري.

(قلت) ورد أيضا من حديث (22) البراء بن عازب (23) وأبي الطفيل (24) وحذيفة بن أسيد الغفاري (25) وجابر وفي رواية لاحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون صحابيا ، وشهدوا به لعلي لما نوزع أيام خلافته،

وممن صرح بتواتره أيضا المناوي في التيسير نقلا عن السيوطي وشارح المواهب اللدنية وفي الصغوة للمناوي: قال الحافظ ابن حجر: حديث من كنت مولاه فعلي مولاه خرجه الترمذي والنسائي وهو كثير الطرق جدا وقد استوعبها ابن عقدة في مؤلف مفرد وأكثر أسانيدها صحيح أو حسن اه.[20]

---

[1] كتاب البداية والنهاية ط هجر، ج ٧،ص٦٨١ (المكتبة الشاملة الحديثة) و كتاب السيرة النبوية لابن كثير،ج ٤، ص٤٢٦ (المكتبه الشامله الحديثه)

[2] رسالة طرق حديث من كنت مولاه فهذا علي مولاه للإمام الذهبي ،ص٨٤ (المكتبه الشامله الحديثه)

[3] سخن او در مورد شافعي است :قال الحاكم: أخبرني الزبير بن عبد الواحد الحافظ، أنا أبو عمارة حمزة بن علي الجوهري، ثنا الربيع بن سليمان قال: حججنا مع الشافعي، فما ارتقى شرفا، ولا هبط واديا، إلا وهو يبكي وينشد:

ياراكبا قف بالمحصب من منى ... واهتف بقاعد خيفها والناهض

سحرا إذا فاض الحجيج إلى منى ... فيضا كملتطم الفرات الفائض

إن كان رفضا حب آل محمد ... فليشهد الثقلان أني رافضي

بهذا الاعتبار قال أحمد بن عبد الله العجلي في الشافعي: كان يتشيع، وهو ثقة...(كتاب تاريخ الإسلام ت تدمري،ج 14،ص337-338، المكتبه الشامله الحديثه)

[4] أخبرنا مالك بن أحمد الفراء، أخبرنا أحمد بن محمد بن موسى الصلتي، حدثنا إبراهيم بن عبد الصمد الهاشمي، حدثنا أبو سعيد الأشج، حدثنا المطلب بن زياد، عن عبد الله بن محمد بن عقيل، قال:

كنت عند جابر في بيته، وعلي بن الحسين، ومحمد ابن الحنفية، وأبو جعفر، فدخل رجل من أهل العراق، فقال: أنشدك بالله إلا حدثتني ما رأيت وما سمعت من رسول الله -صلى الله عليه

وسلم-.

فقال: كنا بالجحفة بغدير خم ، وثم اناس كثير من جهينة ومزينة وغفار، فخرج علينا رسول الله -صلى الله عليه وسلم- من خباء أو فسطاط، فأشار بيده ثلاثا، فأخذ بيد علي -رضى الله عنه- فقال: (من كنت مولاه، فعلي مولاه)...(سير أعلام النبلاء ،ج ٨،ص 334-335، المكتبه الشامله الحديثه)

[5] ذهبی در مورد ابوجریر طبری چنین می نویسد: الإمام، العلم، المجتهد، عالم العصر، أبو جعفر الطبري، صاحب التصانيف البديعة، من أهل آمل طبرستان.(سیر اعلام النبلاء ط الرساله،ص ۲۶۷)...آن گاه در مورد کتاب او در اسناد حدیث غدیر می گوید:قلت :جمع طرق...(همان،ص ۲۷۷،المکتبه الشامله الحدیثه)

[6] ابن الجَزَرِی (780- نحو 835 ه 1378- نحو 1432 م) أحمد بن محمد بن محمد، أبو بكر، شهاب الدين ابن الجزري القرشي الشافعي:مقرئ، دمشقي المولد و الوفاة. أخذ عن أبيه و غيره و سمع القراءات الاثنتي عشرة، و تصدر للتدريس. و مات بعد أبيه (المتوفى سنة 833) بقليل. له «الحواشي المفهمة في شرح المقدمة- ط» و هي المقدمة الجزرية(الأعلام؛ ج1 ؛ ص227)

[7] 673 هـ - 748هـ، 1275م - 1347م

[8] ۷۰۰- ۷۷۴

[9] مناقب الأسد الغالب علي بن أبي طالب لابن الجزري،ص ۱۲(المکتبه الشامله الحدیثه)

[10] فتح الباري لابن حجر،ج ۷،ص ۷۴ (المکتبه الشامله الحدیثه)

[11] المناوي (952 - 1031 هـ = 1545 - 1622 م) محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري است.او دو کتاب در شرح الجامع الصغیر با عنوان های «فیض القدیر» و «التیسیر»دارد.

[12] این مطلب را سیوطی در کتاب قطف الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتره آورده است:

۱۰۲-حدیث«من کنت مولاه فعلی مولاه»

اخرجه:

أ-الترمذی عن بن ارقم

ب-و الامام احمد عن علی و ابی ایوب الانصاری

ج-و البزار عن عمر و ذی مر و ابی هریره و طلحه و عمّاره و ابن عباس و بریده

د-و الطبرانی عن ابن عمر مالک بن الحویرث و حبشی بن جنادہ و جریر و سعد بن ابی وقاص و ابی سعید الخدری و انس

ہ-و ابونعیم عن جندع الانصاری

و-و اخرجہ ابن عساکر عن عمر بن عبدالعزیز قال:حدثنی عدہ [من اصحاب النبی]انہم سمعوا رسول اللہ یقول:من کنت مولاہ فعلی مولاہ

ز-و اخرجہ ابن عقدہ:فی کتاب الموالاہ عن زر بن حبیش قال:قال علی من ہہنا من اصحاب محمد فقام اثنا عشر رجلا منہم قیس بن ثابت و حبیب بن بدیل بن ورقاء فشہدوا انہم سمعوا رسول اللہ یقول من کنت مولاہ فعلی مولاہ

و اخرج ایضاً عن یعلی بن مرہ قال :لما قدم علی الکوفہ نشد الناس:من سمع رسول اللہ یقول من کنت مولاہ فعلی مولاہ فانتدب لہ بضعہ عشر رجلاً منہم

یزید او زید بن شراحبیل الانصاری(الازہار المتناثرہ،ج ۱،ص ۲۷۷-۲۸۰؛کتابخانہ مدرسہ فقاہت)

[13] (من کنت مولاہ فعلی مولاہ) أی ولیہ وناصرہ والاء الإسلام {ذلک بأن اللہ مولی الذین آمنوا} وخصہ لمزید علمہ ودقائق مستنبطاتہ وفہمہ وحسن سیرتہ وصفاء سریرتہ وکرم شیمتہ ورسوخ قدمہ قیل سببہ أن أسامۃ قال لعلی: لست موالی إنما موالی رسول اللہ فقال النبی صلی اللہ تعالی علیہ وعلی آلہ وسلم ذلک ومن الغریب ما ذکرہ فی لسان المیزان فی ترجمۃ اسفندیار بن الموفق الواعظ أنہ کان یتشیع وکان متواضعا عابدا زاہدا عن ابن الجوزی أنہ حکی عن بعض العدول أنہ حضر مجلسہ فقال لما قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من کنت مولاہ فعلی مولاہ تغیر وجہ أبی بکر وعمر ونزلت {فلما رأوہ زلفۃ سیئت وجوہ الذین کفروا} الآیۃ ہکذا ذکرہ الحافظ فی اللسان بنصہ ولم أذکرہ إلا للتعجب من ہذا الضلال وأستغفر اللہ قال ابن حجر: حدیث کثیر الطرق جدا استوعبہا ابن عقدۃ فی کتاب مفرد منہا صحاح ومنہا حسان وفی بعضہا قال ذلک یوم غدیر خم وزاد البزار فی روایۃ " اللہم وال من والاہ وعاد من عاداہ وأحب من أحبہ وأبغض من أبغضہ وانصر من نصرہ واخذل من خذلہ " ولما سمع أبو بکر وعمر ذلک قالا فیما خرجہ الدارقطنی عن سعد بن أبی وقاص " أمسیت یا بن أبی طالب مولی کل مؤمن ومؤمنۃ " وأخرج أیضا قیل لعمر إنک تصنع بعلی شیئا لا تصنعہ بأحد من الصحابۃ قال إنہ موالی وفی تفسیر الثعلبی عن ابن عیینۃ أن النبی صلی اللہ علیہ وعلی آلہ وسلم لما قال ذلک طار فی الآفاق فبلغ الحارث بن النعمان فأتی رسول اللہ صلی اللہ تعالی علیہ وآلہ وسلم فقال: یا محمد أمرتنا عن اللہ بالشہادتین فقبلنا وبالصلاۃ والزکاۃ والصیام والحج فقبلنا ثم لم ترض حتی رفعت بضبعی ابن عمک تفضلہ علینا فہذا شیء منک أم من اللہ فقال: " والذی لا إلہ إلا ہو إنہ من اللہ " فولی وہو یقول: اللہم إن کان ما یقولہ محمد صلی اللہ علیہ وسلم حقا فأمطر علینا حجارۃ من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم فما وصل لرحلتہ حتی رماہ اللہ بحجر فسقط علی ہامتہ فخرج من دبرہ فقتلہ والحجۃ فی ذلک کلہ علی تفضیلہ علی الشیخین کما ہو مقرر بمحلہ من فن الأصول

(حم ہـ عن البراء) بن عازب (حم عن بریدۃ) بن الحصیب (ت ن والضیاء) المقدسی (عن زید بن أرقم) قال الہیثمی: رجال أحمد ثقات وقال فی موضع آخر: رجالہ رجال الصحیح وقال المصنف: حدیث متواتر(کتاب فیض القدیر شرح الجامع الصغیر،ج 6،ص ۲۱۷؛المکتبہ الشاملہ الحدیثہ)

[14] کتاب التیسیر بشرح الجامع الصغیر،ج ۲، ص442 (المکتبۃ الشاملۃ الحدیثۃ)

[15]صاحب تعلیقه،ارنؤوط است.او ذیل این روایت در مسند احمد می نویسد:

18479 - حدثنا عفان، حدثنا حماد بن سلمة، أخبرنا علي بن زيد، عن عدي بن ثابت، عن البراء بن عازب، قال: كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر، فنزلنا بغدير خم، فنودي فينا: الصلاة جامعة، وكسح لرسول الله صلى الله عليه وسلم تحت شجرتين، فصلى الظهر، وأخذ بيد علي رضي الله عنه، فقال: " ألستم تعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ " قالوا: بلى، قال: " ألستم تعلمون أني أولى بكل مؤمن من نفسه؟ " قالوا: بلى، قال: فأخذ بيد علي، فقال: " من كنت مولاه، فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه " قال: فلقيه عمر بعد ذلك، فقال: " له هنيئا يا ابن أبي طالب، أصبحت وأمسيت مولى كل مؤمن، ومؤمنة " (2)

---

(2) صحيح لغيره، وهذا إسناد ضعيف من أجل علي بن زيد- وهو ابن جدعان - وباقي رجاله ثقات رجال الشيخين، غير حماد بن سلمة، فمن رجال مسلم. عفان: هو ابن مسلم الصفار.== وأخرجه ابن أبي شيبة 12/78 عن عفان، بهذا الإسناد.

وأخرجه ابن ماجه (116) ، وعبد الله بن أحمد في زوائده على فضائل الصحابة لأبيه (1042) من طريقين، عن حماد، به.

وأخرجه النسائي في "الكبرى" (8473) بنحوه، والدولابي في "الأسماء والكنى" 1/160 مختصرا من طريق أبي إسحاق، عن البراء، به.

وقوله: "من كنت مولاه فعلي مولاه" أورده السيوطي في "الأزهار المتناثرة في الأحاديث المتواترة" برقم (100) .

وقوله: "اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه" شواهد تقويه.

وقد سلف من حديث علي بن أبي طالب بالأرقام (641) و (950) و (961) .

ومن حديث ابن عباس (3061) .

ومن حديث زيد بن أرقم، سيرد 4/368.

ومن حديث بريدة الأسلمي سيرد 5/347.

ومن حديث رجال من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم سلف (641) و (950) وسيرد 4/370و5/366 ومن حديث أبي أيوب الأنصاري سيرد 5/419.

وانظر ما بعده.

قال السندي: قوله: بغدير خم، بضم معجمة، وتشديد ميم: غيضة بثلاثة أميال من الجحفة، عندها غدير مشهور، يضاف إليها.

ومن كنت مولاه: المناسب بآخر الحديث- أعني: "اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه"- أن يحمل المولى على المحبوب، أي: من يحبني، فليحب عليا. (مسند أحمد ط الرسالة ،ج ٣٠،ص 430)

این مطلب را در تعلیقه سنن ابن ماجه نیز تکرار می کند.مراجعه کنید به سنن ابن ماجه ت الأرنؤوط، ج ۱،ص ۸۸

[16] وروی ضمرة بإسناده عن أبی هریرة قال: لما أخذ رسول الله صلی الله علیه وسلم ید علی کرم الله تعالی وجهه قال: من کنت مولاه فعلی مولاه، فأنزل الله تعالی الیوم أکملت لکم دینکم [المائدة: 3] ثم قال أبو هریرة: وهو یوم غدیر خم، ومن صام یوم ثمانی عشرة من ذی الحجة کتب الله تعالی له صیام ستین شهرا،

وهو حدیث منکر جدا، ونص فی البدایة والنهایة علی أنه موضوع، وقد اعتنی بحدیث الغدیر أبو جعفر بن جریر الطبری فجمع فیه مجلدین أورد فیهما سائر طرقه وألفاظه، وساق الغث والسمین والصحیح والسقیم علی ما جرت به عادة کثیر من المحدثین، فإنهم یورودن ما وقع لهم فی الباب من غیر تمییز بین صحیح وضعیف، وکذلک الحافظ الکبیر أبو القاسم ابن عساکر أورد أحادیث کثیرة فی هذه الخطبة، والمعول علیه فیها ما أشرنا إلیه، ونحوه مما لیس فیه خبر الاستخلاف کما یزعمه الشیعة، وعن الذهبی أن

من کنت مولاه فعلی مولاه

متواتر یتیقن أن رسول الله صلی الله علیه وسلم قاله، وأما

اللهم وال من والاه،

فزیادة قویة الإسناد، وأما صیام ثمانی عشرة ذی الحجة فلیس بصحیح- ولا والله نزلت تلک الآیة إلا یوم عرفة قبل غدیر خم بأیام.

والشیخان لم یرویا خبر الغدیر فی صحیحهما لعدم وجدانهما له علی شرطهما، وزعمت الشیعة أن ذلک لقصور وعصبیة فیهما وحاشاهما من ذلک، ووجه استدلال الشیعة بخبر- من کنت مولاه فعلی مولاه- أن المولی بمعنی الأولی بالتصرف، وأولویة التصرف عین الإمامة، ولا یخفی أن أول الغلط فی هذا الاستدلال جعلهم المولی بمعنی الأولی، وقد أنکر ذلک أهل العربیة قاطبة بل قالوا: لم یجیء مفعل بمعنی أفعل أصلا، ولم یجوز ذلک إلا أبو زید اللغوی متمسکا بقول أبی عبیدة فی تفسیر قوله تعالی: هی مولاکم [الحدید: 15] أی أولی بکم.

(کتاب تفسیر الألوسی روح المعانی، ج ۳،ص ۳۶۱؛ المکتبة الشاملة الحدیثة)

[17] العجلونی (۱۰۸۷- ۱۱۶۲ هـ = ۱۶۷۶- ۱۷۴۹ م) إسماعیل بن محمد بن عبد الهادی الجراحی العجلونی الدمشقی، أبو الفداء ، محدث الشام فی أیامه. مولده بعجلون ومنشأه ووفاته بدمشق

[18] کشف الخفاء ط القدسی،ج ۲،ص ۲۷۴ (المکتبه الشامله الحدیثه)

[19] الکتانی، محمد بن جعفر (۱۲۷۴- ۱۳۴۵ هـ = ۱۸۵۷ - ۱۹۲۷ م) محمد بن جعفر بن إدریس الکتانی الحسنی الفاسی، أبو عبد الله: مؤرخ محدث، مکثر من التصنیف. مولده ووفاته بفاس

[20] نظم المتناثر، ج 1 ،ص ۱۹۴-۱۹۵ (المکتبه الشامله الحدیثه)

۳.ناصر الدین البانی

و بالأخره نوبت به شاگرد دیگر مکتب ابن تیمیه در قرن 14 می رسد، یعنی ناصر الدین البانی دمشقی[1] در کتاب سلسلة الاحادیث الصحیحة، که حدیث "**من کنت موالاه**" را متواتر می داند،

انتقادات البانی از ابن تیمیه

و عجیبتر، این که می گوید: اساساً من این را تفصیل دادم؛ چون می خواستم اشتباه ابن تیمیه را به همگان گوشزد کنم! ابن تیمیه بسیار، سریعاً حدیثی را ضعیف می شمارد قبل از این که همه ی طرق و سندهای آن را ببیند!

> **۱۷۵۰ - " من کنت موالاه، فعلی موالاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه ". .....**
>
> **وقد ذكرت وخرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تحقيق الكلام على أسانيدها بصحة الحديث يقينا، وإلا فهي كثيرة جدا، وقد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد، قال الحافظ ابن حجر: منها صحاح ومنها حسان. وجملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه وسلم كما ظهر لمن تتبع أسانيده وطرقه، وما ذكرت منها كفاية. ..... إذا عرفت هذا، فقد كان الدافع لتحرير الكلام على الحديث وبيان صحته أنني رأيت شيخ الإسلام بن تيمية، قد ضعف الشطر الأول من الحديث، وأما الشطر الآخر، فزعم أنه كذب[2]! وهذا من مبالغته الناتجة في تقديري من تسرعه في تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها ويدقق النظر فيها. والله المستعان[3]**

او در موضعی دیگر می گوید: من وجهی برای سرعت گرفتن ابن تیمیه در تکذیب حدیث نمی بینم **مگر این که می خواهد خیلی سریع جواب شیعه را بدهد!**

> **۲۲۲۳ - " ما تريدون مني علي؟ إن عليا مني وأنا منه وهو ولي كل مؤمن بعدي ". ..... وأخرجه أحمد (1 / 330 - 331) ومن طريقه الحاكم (3 / 132 - 133) وقال: " صحيح الإسناد "، ووافقه الذهبي ، وهو كما قال. وهو بمعنى قوله صلى الله عليه وسلم: " من كنت مولاه فعلي مولاه.. " وقد صح من طرق كما تقدم بيانه في المجلد الرابع برقم (١٧٥٠) .**

> **فمن العجيب حقا أن يتجرأ شيخ الإسلام ابن تيمية على إنكار هذا الحديث وتكذيبه في " منهاج السنة " (4 / 104) كما فعل بالحديث المتقدم هناك، مع تقريره رحمه الله أحسن تقرير أن الموالاة هنا ضد المعاداة وهو حكم ثابت لكل مؤمن، وعلى رضي الله عنه من كبارهم، يتوالاهم ويتوولونه. .... هذا كله من بيان شيخ الإسلام وهو قوي متين كما ترى، فلا أدري بعد ذلك وجه تكذيبه للحديث إلا التسرع والمبالغة في الرد على الشيعة، غفر الله لنا وله[4].**

او در جاى دیگر مى گويد: اين حديث، صحيح است؛ بالاترين حدّى كه يك حديث صحيح مى تواند داشته باشد:

وثانيا من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وهو حديث صحيح غاية جاء من طرق جماعة من الصحابة خرجت أحاديث سبعة منهم وبعضهم أكثر من طريق واحد وقد خرجتها كلها وتكلمت على أسانيدها في سلسلة الأحاديث الصحيحة[5]

خداى متعال را شكرگزاريم كه در عصرى زندگى مى كنيم كه مسلمين ديگر شكّ در وقوع قضيّه ى غدير خم ندارند، و تنها اختلاف آن ها بر سر مراد پيامبر (ص) از اين حديث است.

و بالأخره گذشت، زمان يكّه تازى و جولان دادن كسانى كه باد در غبغب انداخته و مى گفتند: حديث غدير، خبر واحد است كه صحيح بودن آن هم معلوم نيست!

---

[1] الألباني، محمد ناصر الدين (١٣٣٢هـ- ١٩١٤ م، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م). أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين ، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، الألرنؤوطي

[2] وأما قوله: " {من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه} . . . إلخ " فهذا ليس في شيء من الأمهات؛ إلا في الترمذي وليس فيه إلا: " {من كنت مولاه فعلي مولاه} ..... وقوله: " {من كنت مولاه فعلي مولاه} فمن أهل الحديث من طعن فيه كالبخاري وغيره؛ ومنهم من حسنه (مجموع الفتاوى - ابن تيمية (٤/ ٤١٧))

[3]ابتداى عبارت البانى، اين است: ١٧٥٠ - " من كنت مولاه، فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه ".

ورد من حديث زيد بن أرقم وسعد بن أبي وقاص وبريدة بن الحصيب وعلي بن أبي طالب وأبي أيوب الأنصاري والبراء بن عازب وعبد الله بن عباس وأنس بن مالك وأبي سعيد وأبي هريرة...(السلسلة الحديثة،ج ٤،ص ٣٣٠)سپس بعد از ذكر چندين طريق براى روايت مى گويد:و قد(9/103-108)للحديث طرق اخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيثمي في المجمع ذكرت...(همان،ص ٣٤٣-٣٤٤؛ المكتبة الشاملة الحديثة)

[4] السلسلة الحديثة،ج ٥،ص ٣٦٠ -٣٦٤ (المكتبة الشاملة الحديثة)

[5] السنة - ابن أبی عاصم، وظلال الجنة للالبانی،ج ۲،ص ۵۶۶(المکتبه الشامله الحدیثه)

سؤال مسلمانان از بخاری و مسلم

اكنون بخارى و مسلم ماندهاند و سؤال مسلمان ها كه آيا شما كه جزئيترين قضاياى پيامبر (ص) را نقل مى كنيد، چه شد كه يك قضيه ى مهمّ متواتر در زندگى حضرت را نياورديد؟ آيا هيچ سند صحيح براى آن نيافتيد! يا ديديد همه اينها با شنيدن حديث غدير ناخودآگاه درگير قضيه ى سقيفه ميشود؟!

و الله الكافي